

تحریم‌ها زانو خم نمی‌کنند.

حال که اهداف تحریم‌ها تنها به صورت بالقوه، تا حد کمی محقق می‌شوند، سؤال این است که چرا کشورها - به ویژه آمریکا که به عنوان یک ابرقدرت، پیش‌تاز این نوع تحریم‌ها شده است - به طور متناوب آنها را به کار می‌برند؟

پاسخ این سؤال آن است که آمریکا قصد دارد با این کار، نوعی سمبولیزم داخلی و بین‌المللی ایجاد کند. اما در شرایطی که استفاده از گزینه‌های نظامی، بسیار خشونت‌آمیز و بی‌حاصل جلوه می‌کند - همان طور که در مورد ایران این گونه است - و مذاکرات دیپلماتیک ضعیف و آرام پیش می‌روند، دولت‌ها مجبور می‌شوند به ناظران بین‌المللی و هیأت نمایندگان داخلی خود نشان دهند که تا چه حد موضع محکمی دارند و این که در برابر رفتار کشور تحریم شده، کاری انجام می‌دهند. از این نظر، تحریم‌ها معمولاً در اعلام یک بیانیه سیاسی موفق عمل می‌کنند. البته این بیانیه‌های سیاسی در تغییر رفتار کشور مورد نظر، کاملاً بی‌اثرند. در مقابل، هنگامی که پای استفاده از زور به میان می‌آید، از کودکان گرفته تا سران و مردم کشورها، به طور طبیعی از خود مقاومت نشان می‌دهند.

تشویق به جای تنبیه

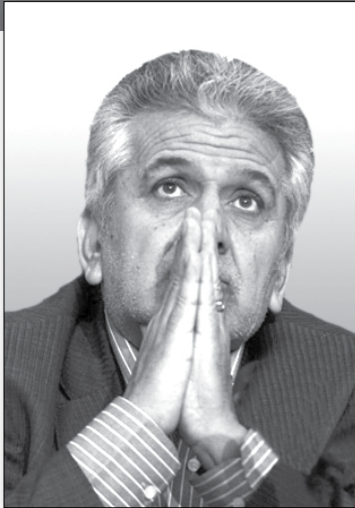
غربی‌ها به خوبی می‌دانند که تحریم‌هایشان علیه ایران، تنها برای جلوگیری از برنامه هسته‌ای این کشور طراحی نشده‌اند، بلکه هدف آنها متزلزل کردن حکومت ایران است. اما در مورد برنامه هسته‌ای ایران که به منشأ افتخار در جامعه ایرانی تبدیل شده چه می‌توان کرد؟ برخی منابع غربی عنوان کرده‌اند که آمریکا حق ایران را برای غنی سازی اورانیوم، در عوض ارسال بیش از ۳ هزار کیلوگرم اورانیوم با غنای ضعیف به روسیه پذیرفته است. ایران اگر چه تأیید غرب را در محق بودن برای غنی سازی صلح آمیز اورانیوم تحت قوانین پیمان منع گسترش سلاح‌های اتمی (NPT) باور ندارد، اما این محرک‌های مثبت از سوی غرب، در مقابل سیاست‌های منفی علیه تهران، موفق‌تر خواهند بود.

البته چنین محرک‌های مثبتی نمی‌تواند ایران را که احتمال حمله آمریکا، اسرائیل و یا اعراب را می‌دهد، در دفع تهدیدات آنها مجاب کند، اما به نظر کارشناسان، امتحان آن برای غرب ضرری ندارد و این محرک‌های مثبت از شانس بیشتری نسبت به فشارهای تنبیهی برخوردارند. ■

مصرف سوخت ملی و استانداردهای بین‌المللی

انضباط و صرفه جویی با جبر قیمت‌ها

تحلیل مهندس عباس کاظمی، مدیر عامل شرکت بهینه سازی سوخت، در خصوص استراتژی‌های جلوگیری از اسراف انرژی و ضرورت اجرای اصلاحات قیمتی و غیرقیمتی



کشور ما پس از فدراسیون روسیه، بالاترین میزان شدت مصرف انرژی را در دنیا دارد و این معیار، در حالی سال به سال افزایش می‌یابد که سایر کشورهای دنیا رونوی نژولی را از حیث شدت مصرف انرژی طی می‌کنند. در ۴۰ سال گذشته، با پرداخت یارانه‌ها، مصرف کنندگان موضوع انرژی را در محاسبات خود وارد نکرده‌اند و این امر، راندمان انرژی را در همه بخش‌های انرژی بر تحت‌الشعاع خود قرار داده است.

ملک است، در حالی که فواید به مراتب بیشتری را برای وی به همراه دارد. یکی از مسائلی که در این زمینه مطرح شده، موضوع برچسب انرژی است که رتبه ساختمان را از لحاظ سطح مصرف انرژی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. طبیعی است در شرایطی که خریدار از ویژگی‌های مناسب ساختمان - به ویژه در زمینه مصرف انرژی - اطلاع یابد، ملک از نگاه او ارزشمندتر خواهد بود و این برچسب در حکم شناسنامه انرژی ملک عمل خواهد کرد. انتظار می‌رود با آزاد سازی قیمت انرژی در کشور، این موضوع بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

دولت و مجلس در برنامه سوم توسعه به تعریف استاندارد برای تجهیزات و فرآیندهای مصرف برق پرداخته‌اند و از همان زمان، بحث استاندارد انرژی در کشور مطرح شد که البته این موضوع، تأثیرات قابل توجهی را در این سال‌ها بر مصرف انرژی داشته است. طبق این استاندارد، صنایع تازه تأسیس موظف به ارایه معیارهای مصرف پایین سوخت هستند و در مقایسه با صنایع قدیمی، در عین آن که مصرف کنترل شده‌ای دارند، از راندمان بالاتری برخوردارند. این امر، نتیجه دور اندیشی کشور از همان زمان بوده که اثرات مثبتی هم بر جای گذاشته است. به عنوان مثال در بخش حمل و نقل، پیش از سال ۷۹ متوسط مصرف بنزین خودروهای تولید داخل در حدود ۱۱/۵ لیتر بود، اما بنا بر همین استانداردها و کنترل‌ها، این رقم در حال حاضر به ۸/۵ لیتر رسیده و پیش‌بینی می‌شود تا پایان برنامه پنجم به ۷ لیتر کاهش یابد.

در بخش ساختمان و مسکن، آمار وضعیت نامطلوب‌تری را نشان می‌دهد، به طوری که در هر متر مربع ساختمان در کشور ما، سالانه ۳۱۰ کیلو وات انرژی - اعم از برق، گاز و سایر منابع - مصرف می‌شود. پیش‌بینی می‌شود بر اساس مبحث ۱۹ که مقررات استاندارد مصرف انرژی را در بخش ساختمان گوشزد می‌کند، بتوان این رقم را تا حد ۱۲۰ کیلو وات کاهش داد. لازم به ذکر است که در اروپا این عدد ۶۰ کیلو وات و در کشورهای اسکاندیناوی، ۲۵ کیلو وات انرژی در سال می‌باشد. متأسفانه با این وضع، طبق گزارش‌های دریافتی، تنها ۲۰ درصد ساختمان‌های جدید، قواعد مبحث ۱۹ را رعایت کرده‌اند، در حالی که برای کنترل مصرف باید این امر مورد توجه قرار گیرد - مخصوصاً آن که هزینه‌ای که بابت رعایت اصول استاندارد ساختمان به صاحب ملک تحمیل می‌شود، تنها در حدود یک درصد قیمت

در بخش ساختمان و مسکن، آمار وضعیت نامطلوب‌تری را نشان می‌دهد، به طوری که در هر متر مربع ساختمان در کشور ما، سالانه ۳۱۰ کیلو وات انرژی - اعم از برق، گاز و سایر منابع - مصرف می‌شود. پیش‌بینی می‌شود بر اساس مبحث ۱۹ که مقررات استاندارد مصرف انرژی را در بخش ساختمان گوشزد می‌کند، بتوان این رقم را تا حد ۱۲۰ کیلو وات کاهش داد. لازم به ذکر است که در اروپا این عدد ۶۰ کیلو وات و در کشورهای اسکاندیناوی، ۲۵ کیلو وات انرژی در سال می‌باشد. متأسفانه با این وضع، طبق گزارش‌های دریافتی، تنها ۲۰ درصد ساختمان‌های جدید، قواعد مبحث ۱۹ را رعایت کرده‌اند، در حالی که برای کنترل مصرف باید این امر مورد توجه قرار گیرد - مخصوصاً آن که هزینه‌ای که بابت رعایت اصول استاندارد ساختمان به صاحب ملک تحمیل می‌شود، تنها در حدود یک درصد قیمت

قیمت و غیرقیمت

اصلاح قیمتی باید با اصلاح غیرقیمتی همراه باشد. اصلاح غیرقیمتی هم به معنای تدوین استانداردها، ایجاد پایلوت‌ها و تعریف ظرفیت‌های بالقوه میزان مصرف انرژی در کشور است. پرداخت یارانه انرژی، بسیاری از منابع مالی کشور را می‌بلعد و به این ترتیب

بخش قابل توجهی از منابعی که می‌توانستند به مصرف زیرساختی برسند، نابود می‌گردند. منطقی شدن قیمت‌ها با فراهم سازی بستر یاری رسانی دولت به صنایع از محل پولی که از آزاد سازی قیمت‌ها حاصل می‌شود، به توسعه صنایع و بهبود ساختارهای مصرف انرژی کمک می‌کند و از جهت دیگر، مدیریت مصرف به مصرف کنندگان منتقل می‌شود که این امر، موجب کنترل و مدیریت مصرف توسط آنها می‌گردد. به این ترتیب، اثرات دو گانه آزاد سازی قیمت‌ها به ثمر بخشی در حوزه اقتصادی

کشور خواهند انجامید.

در نهایت باید اشاره شود که علت اصلی کارایی پایین انرژی در کشور ما قیمت اندک آن بوده و این امر تا به امروز به اسراف در انرژی منجر شده است. اما در حال حاضر، با آزاد سازی قیمت‌ها و خلق سرمایه‌های جدید از این محل، می‌توان انتظار داشت که در کنار برطرف شدن بسیاری از مشکلات زیست محیطی، به حل مشکلات اقتصادی کشور نظیر بیکاری و رشد اقتصادی نایل آییم. ■

تشکل‌ها و رشد اقتصادی

قلب تپنده



نگاه آقای محمدرضا ستوده، دبیر کل انجمن مدیران صنایع ایران، به جایگاه تشکل‌ها

نیل به هر هدف جمعی در گرو تلاش سازمان یافته و برنامه ریزی شده است. از این رو تنها هنگامی که عناصر تشکیل دهنده یک مجموعه برای دستیابی به هدفی متعالی با یکدیگر همکاری می‌کنند، می‌توان انتظار داشت فعالیت این جمع به نتیجه مطلوب برسد. بررسی اهداف و رسالت‌های تشکل‌های صنعتی نشان می‌دهد که خواسته‌های آنها بسیار شبیه یکدیگرند. حتی تشکل‌های صنفی که معمولاً از منافع صنف خاصی دفاع می‌کنند، به عنوان بخشی از جامعه اقتصادی و صنعتی از اهداف کلان اقتصادی و صنعتی سخن می‌گویند و بدین ترتیب، نقش عمده‌ای در پیشرفت و توسعه اقتصاد صنعتی ایفا می‌نمایند.

این وحدت رویه و اشتراک اهداف که غالباً مخاطبان آن، دولت‌ها، دستگاه‌های دولتی و نهادهای وابسته به دولت‌اند، همکاری، تبادل نظر و اقدام مشترک تشکل‌ها را برای تأثیر گذاری در زمینه اقتصاد کشور ضروری می‌سازد.

مهمترین اهداف و رسالت‌های تشکل‌های صنعتی را می‌توان در قالب موارد زیر برشمرد:

- فراهم آوردن زمینه لازم برای ارتقای سطح فرهنگ صنعتی و کوشش در جهت پیشرفت صنعت کشور
- کمک به توسعه صنعتی و افزایش نقش صنعت در تولید، اشتغال و درآمد ملی
- حرکت در جهت جهانی کردن صنعت و ادغام در اقتصاد جهانی
- کوشش در جهت فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای پیشبرد اهداف صنعت و همکاری و تعامل با دولت در این زمینه
- تلاش در جهت افزایش صادرات صنعتی و بهره‌گیری از روابط بین‌المللی برای تقویت توان صنعتی، علمی و فناوری کشور
- تلاش در جهت تفویض اختیار و مسئولیت سازمان‌های دولتی در خصوص برنامه ریزی به تشکل‌های صنعتی
- کمک به ارتقای درک جامعه از نقش صنعت در تقویت بنیه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فناوری کشور

- برگزاری جلسات آموزشی و ایجاد آگاهی در اعضا، برای درک منطقی مسایل صنعتی کشور و کوشش در جهت رفع آنها
- ارشاد و هدایت سرمایه‌گذاران در انتخاب رشته فعالیت‌ها برای سرمایه‌گذاری و جلوگیری از هدر رفتن منابع اقتصاد ملی.

تشکل‌های صنعتی با پذیرش برخی از مسئولیت‌ها - به ویژه در اداره امور اقتصادی کشور - از تصدی‌گری دولت در زمینه‌های مذکور کاسته و به عنوان مشوق مردم در قبول مسئولیت‌های بیشتر در امور تولیدی و امثال آن، گام‌های اساسی برمی‌دارند و از این طریق، نظر و باور مردم را در زمینه لزوم همکاری تنگاتنگ مردم و دولت و نقش سازنده آن در پیشرفت‌های اقتصادی و افزایش سطح بهره‌وری پیگیری می‌نمایند.

از طرفی باید برای برنامه ریزی‌های کلان جامعه - به ویژه در میان مدت - قابل به انعطاف و قبول ضریب خطا بود. بر این مبنا، بسیاری از اقتصاددانان هدف‌های کلی برنامه‌های میان مدت را به شرطی قابل حصول می‌دانند که روش‌ها و رفتارها در طول اجرای برنامه، مورد تجدید نظر قرار گرفته و اصلاح شوند. بنابراین با پذیرش احتمال

تأثیر بهبود کیفیت نیروی انسانی بر فرآیند توسعه اقتصادی تا جایی است که امروزه اکثر اقتصاددانان اتفاق نظر دارند که آنچه در نهایت، خصوصیت و روند توسعه اقتصادی-اجتماعی یک کشور را تعیین می‌کند، محدود به سرمایه و منابع مادی نیست، بلکه به دست منابع انسانی آن کشور شکل می‌گیرد. بهبود کیفیت نیروی انسانی، علاوه بر تلاش و کوشش‌های آموزشی، جنبه‌های کار آفرینی، مسئولیت پذیری، نظم پذیری، صداقت و صمیمیت در کار، اخلاق و وجدان کار انسان را دربرمی‌گیرد.

توسعه منابع انسانی

تأثیر بهبود کیفیت نیروی انسانی بر فرآیند توسعه اقتصادی تا جایی است که امروزه اکثر اقتصاددانان اتفاق نظر دارند که آنچه در نهایت، خصوصیت و روند توسعه اقتصادی-اجتماعی یک کشور را تعیین می‌کند، محدود به سرمایه و منابع مادی نیست، بلکه به دست منابع انسانی آن کشور شکل می‌گیرد. بهبود کیفیت نیروی انسانی، علاوه بر تلاش و کوشش‌های آموزشی، جنبه‌های کار آفرینی، مسئولیت پذیری، نظم پذیری، صداقت و صمیمیت در کار، اخلاق و وجدان کار انسان را دربرمی‌گیرد.

وظایف تشکل

بالا بردن سطح دانش تخصصی کار آفرینان و مدیران، نوسازی تخصص‌ها و باز آموزی آنها و سرانجام، بهسازی اطلاعات از جمله اقدامات تشکل‌ها در زمینه توسعه منابع انسانی و ایجاد نگرش توسعه‌ای در آنها می‌باشند.

حضور نمایندگان تشکل‌ها در مراحل مختلف برنامه ریزی و مشارکت در شوراهای کمیته‌های برنامه ریزی و شرکت در شوراهای تصمیم‌گیری مربوط به مسایل اقتصادی-اجتماعی، این فرصت را به وجود می‌آورد که سیاست‌گذاران در اتخاذ تصمیمات و سیاست‌های کلان، از نظرات و انتظارات مردم از طریق نهادهای مدنی (تشکل‌ها) که حد فاصل مردم و دولت می‌باشند، آگاهی حاصل نمایند.

کمک به امر قانون گذاری و تنظیم و اصلاح قوانین و مقررات - به عنوان عامل تسهیل کننده فرآیند رشد و پیشرفت اقتصادی - عمدتاً در کانون وظایف تشکل‌ها قرار دارد. دولت در جامعه مدنی، منتخب تشکل‌ها بوده و ناگزیر است از خواسته‌های مردم آگاهی حاصل نماید و در حد توان و امکانات خود، مطالبات آنان را برآورده سازد. در این فرآیند، تشکل‌ها